



The optimal model of intercultural communication in the situation of intercultural conflict (Analysis of the Content of the Quranic Story of Solomon (PBUH) and the Queen of Sheba)

Karim Khanmohammadi , Full Professor, Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: Khanmohammadi@bou.ac.ir

Muhammad Rezabayi Alam Abadi , PhD in Culture and Communications, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. Email: muhammad.rezabayi@gmail.com

Extended Abstract

In the contemporary world, where societies are increasingly interconnected, intercultural communication plays a fundamental role in interpersonal, organizational, and international interactions. This form of communication is shaped by cultural differences, and when two cultures with distinct backgrounds and values come into contact, cultural conflicts may arise. In some cases, such interactions can proceed smoothly with minimal challenges; however, in many situations, disparities in beliefs, values, and behaviors among parties complicate communication and transform it into cultural conflict. Such circumstances require the application of effective communication strategies and conflict management in order to achieve mutual understanding or cultural transformation.

A prominent example of cultural conflict management can be found in the Quranic narrative of Prophet Solomon (PBUH) and the Queen of Sheba. This account depicts the encounter of two entirely different value and cultural systems, wherein Prophet Solomon (PBUH) faces a queen who holds differing beliefs not only religiously but also socially and politically.

The author aims to examine the story of Prophet Solomon (PBUH) and the Queen of Sheba in order to present a model of intercultural communication under conditions of intercultural conflict. The main questions addressed in this research are: How was conflict management carried out in this narrative? What interactional strategies were employed to resolve the conflict? And what are the stages of the cultural transformation process within this interaction? Investigating this topic not only contributes to a deeper understanding of Quranic concepts but can also serve as a strategic model for managing intercultural conflicts in contemporary societies.

The research method is qualitative, and data analysis was conducted using thematic analysis. The primary objective of this method is to identify and analyze patterns of meaning (themes) within a textual or verbal dataset. In this study, the initial data were collected from verses 20 to 43 of Surah An-Naml and the exegeses related to the story of Prophet Solomon (PBUH) and the Queen of Sheba, following Clarke's six-phase process.

Analysis of the Quranic story of Prophet Solomon and the Queen of Sheba demonstrates that this narrative presents a comprehensive model of Intercultural Communica-



tion Competence (ICC) across three principal axes: intercultural conflict management, intercultural communication strategies, and the process of cultural transformation.

In the dimension of intercultural conflict management, the precise identification of the sources of conflict across three domains—the governance system, the belief system, and the components of power—highlights the importance of the cognitive dimension of intercultural competence. The inclination toward constructive dialogue and creative conflict resolution through intelligent diplomacy, rather than resorting to violence, is another prominent feature of this model.

The intercultural communication strategies in this narrative encompass four main approaches: intelligent observation of the counterpart, formal diplomatic communication, coercive diplomacy, and scientific and technological diplomacy. Intelligent observation reflects flexibility and openness; formal diplomatic communication represents the management of intercultural relations; coercive diplomacy embodies intercultural stability; and scientific and technological diplomacy demonstrates cultural sensitivity. The communication strategies employed in this story correspond to the nine key constructs of intercultural competence.

The process of cultural transformation in this model consists of four stages: encountering a new situation, consultation and reflection, evaluation of the situation, and confrontation and attitudinal transformation. This process is a tangible embodiment of the tripartite dimensions of intercultural competence (cognitive, affective, and behavioral). Encountering a new situation along with consultation and reflection manifests the cognitive dimension. Evaluating the situation signifies the affective dimension, and attitudinal transformation represents the behavioral dimension. This process illustrates that cultural change is gradual and founded upon cognition and acceptance.

The most significant finding of this research is the presentation of an integrated model of intercultural communication in conflict situations (Figure 1), which can also be applied in managing contemporary cultural conflicts. This model, derived from the Quranic story of Prophet Solomon and the Queen of Sheba, demonstrates that successful management of intercultural conflicts requires an accurate understanding of the sources of conflict, the combined application of intelligent communication strategies (ranging from observation to various forms of diplomacy), and an appreciation of the step-by-step process of cultural transformation. The model emphasizes the importance of dialogue, flexibility, and the utilization of power (soft and hard) alongside deep cultural understanding, and it can serve as a practical framework for managing intercultural conflicts in today's world.

Keywords: Intercultural communication, intercultural conflict, intercultural conflict management, intercultural communication competence, the story of Solomon (PBUH) and the Queen of Sheba, the Holy Quran, diplomacy (scientific, coercive, official), cultural transformation.



مدل مطلوب ارتباطات میان فرهنگی در موقعیت تعارض میان فرهنگی (تحلیل مضمون داستان قرآنی حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبا)

کریم خان محمدی^۱ (ID)، محمد رضاییگی علم آبادی^۲ (ID)

چکیده

در دنیای کنونی، ارتباطات میان فرهنگی نقشی اساسی در تعاملات بین المللی ایفا می کند، اما گاهی تفاوت های میان فرهنگی زمینه ساز تعارض می گردند که مدیریت مؤثر آن ها ضروری است. داستان قرآنی حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبا نمونه ای شاخص از مدیریت تعارض میان فرهنگی در ارتباطات میان فرهنگی است. این پژوهش با هدف ارائه الگویی از ارتباطات میان فرهنگی در موقعیت تعارض به تحلیل مضمون این داستان قرآنی پرداخته تا مدلی مطلوب برای این نوع از ارتباطات معاصر ارائه دهد. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون آیات ۲۰ تا ۴۳ سوره نمل قرآن کریم و تفاسیر مرتبط است. برای استخراج و کدگذاری مضامین و اطمینان از دقت، از روش شش مرحله ای تحلیل مضمون استفاده شده و ابزار تحلیل شبکه مضمون بوده است. یافته ها نشان می دهند که این داستان الگویی جامع از صلاحیت ارتباطات میان فرهنگی (ICC) در موقعیت تعارض میان فرهنگی را ارائه می دهد. این الگو در سه محور اصلی شامل «مدیریت تعارض میان فرهنگی» (شناسایی دقیق منشأ تعارضات در نظام حکمرانی، اعتقاد و قدرت و اهمیت گفتگوی سازنده و دیپلماسی هوشمندانه با پرهیز هوشمندانه از خشونت)، «راهبردهای ارتباطی میان فرهنگی» (رصد هوشمندانه، ارتباطات رسمی دیپلماتیک، دیپلماسی قهری و دیپلماسی علمی و فناوری) که نشان دهنده انعطاف، گشودگی، ثبات، حساسیت میان فرهنگی، قدرت چانه زنی و روابط دوجانبه هستند و با سازه های اصلی ICC منطبق اند و «فرایند تحول فرهنگی» شامل مراحل (مواجهه با موقعیت جدید، مشورت و تأمل، ارزیابی موقعیت و مواجهه و تحول نگرش) که تجسم ابعاد سه گانه شناختی، عاطفی و رفتاری ICC است، سازماندهی شده است. نتیجه اصلی پژوهش ارائه مدل یکپارچه ارتباطات میان فرهنگی در موقعیت تعارض میان فرهنگی است که مستلزم ترکیب قدرت نرم و سخت همراه با درک عمیق از پیشینه فرهنگی طرف مقابل است.

واژگان کلیدی

ارتباطات میان فرهنگی، تعارض میان فرهنگی، مدیریت تعارض میان فرهنگی، صلاحیت ارتباطات میان فرهنگی، داستان حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبا، قرآن کریم، دیپلماسی (علمی، قهری، رسمی)، تحول فرهنگی.

مقدمه

در دنیای کنونی که جوامع بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده‌اند، ارتباطات میان فرهنگی نقشی اساسی در تعاملات بین فردی، سازمانی و بین‌المللی ایفا می‌کند. این نوع ارتباطات بر مبنای تفاوت‌های فرهنگی شکل می‌گیرد و زمانی که دو فرهنگ با پیشینه‌ها و ارزش‌های متفاوت در تعامل قرار می‌گیرند، ممکن است به تعارضات فرهنگی بینجامد. در برخی موارد، این ارتباطات می‌توانند به‌سادگی و با حداقل چالش پیش بروند، اما در بسیاری از موقعیت‌ها، اختلافات عقیدتی، ارزشی و رفتاری میان طرفین، ارتباط را پیچیده کرده و آن را به تعارض فرهنگی تبدیل می‌کند. چنین شرایطی مستلزم به‌کارگیری راهبردهای مؤثر ارتباطی و مدیریت تعارض است تا بتوان به درکی مشترک یا تحولی فرهنگی دست‌یافت.

یکی از نمونه‌های شاخص در زمینه مدیریت تعارض فرهنگی را می‌توان در داستان قرآنی حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبأ مشاهده کرد. این داستان نشان‌دهنده برخورد دو نظام ارزشی و فرهنگی کاملاً متفاوت است که در آن، حضرت سلیمان (ع) با ملکه‌ای مواجه می‌شود که نه تنها از نظر دینی، بلکه از لحاظ اجتماعی و سیاسی نیز دارای باورهایی متفاوت است. ارسال پیام از سوی حضرت سلیمان (ع) به ملکه سبأ، او را در موقعیتی قرار می‌دهد که باید میان ارزش‌های پیشین خود و شناختی جدید از حقیقت، تصمیم‌گیری کند. آنچه این داستان را از دیگر نمونه‌های تاریخی متمایز می‌کند، نحوه تعامل حضرت سلیمان (ع) و استفاده از راهبردهای دیپلماتیک و ارتباطی برای مدیریت این تعارض فرهنگی است.

اهمیت این داستان در زمینه مطالعات ارتباطات میان فرهنگی از آن جهت است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان با بهره‌گیری از استراتژی‌های ارتباطات میان فرهنگی، تعارضات میان فرهنگی را نه تنها مدیریت کرد، بلکه آن‌ها را به فرصتی برای تحول و درک متقابل تبدیل نمود. تعامل میان حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبأ نمونه‌ای از فرایندی است که در آن، به جای تقابل و درگیری مستقیم، گفتگو، تحلیل شرایط و پذیرش تدریجی مفاهیم جدید نقش اساسی ایفا می‌کند. چنین الگویی می‌تواند در تعاملات امروزی میان فرهنگ‌های مختلف نیز مورد توجه قرار گیرد.

داستان حضرت سلیمان و ملکه سبأ نمونه‌ای از برخورد دو فرهنگ کاملاً متفاوت را به تصویر می‌کشد. سلیمان، به‌عنوان یک پیامبر، نماینده فرهنگی مبتنی بر توحید و حکمت الهی است. در مقابل، ملکه سبأ که در سرزمین سبأ فرمانروایی می‌کند،

از فرهنگی چندخدایی باارزش‌ها و هنجارهای متفاوت برخوردار است. این تفاوت فرهنگی، زمینه‌ای بالقوه برای بروز تعارض ایجاد می‌کند، اما داستان نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با مدیریت صحیح، این تفاوت‌ها را به فرصتی برای همکاری تبدیل کرد. این داستان به دلیل نمایش تعامل موفق میان دو فرهنگ متمایز، استفاده از دیپلماسی به جای تقابل، تأثیرگذاری بر فرایندهای شناختی، عاطفی و رفتاری و تبدیل تعارض به همکاری، به عنوان نمونه‌ای برجسته برای بحث مدیریت تعارض میان فرهنگی انتخاب شده است. این داستان نه تنها از منظر تاریخی و دینی ارزشمند است، بلکه درس‌هایی عملی برای مدیریت چالش‌های میان فرهنگی در ایران معاصر و جهان امروز ارائه می‌دهد. با الهام از این داستان، می‌توان از ابزارهای دیپلماتیک و ارتباطی برای کاهش تنش‌ها و تقویت همکاری‌های فرهنگی بهره گرفت.

نگارنده بر آن است تا با بررسی داستان حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبأ، الگویی از ارتباطات میان فرهنگی در شرایط تعارض میان فرهنگی ارائه دهد. پرسش‌های اصلی که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته می‌شود عبارت‌اند از: مدیریت تعارض در این داستان چگونه انجام شده است؟ چه راهبردهای تعاملی برای حل تعارض به کار گرفته شده‌اند؟ و فرایند تحول فرهنگی در این تعامل چه مراحل دارد؟ بررسی این موضوع نه تنها به درک عمیق‌تری از مفاهیم قرآنی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان الگویی راهبردی برای مدیریت تعارضات میان فرهنگی در جوامع معاصر مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده مرتبط با عنوان مقاله را می‌توان به دو گروه، پژوهش‌های مرتبط با بررسی ارتباطات میان فرهنگی در قرآن و پژوهش‌های قرآنی مرتبط با داستان سلیمان و ملکه سبأ تقسیم کرد. هیچ کدام از این دو گروه پژوهشی، به بررسی ارتباطات میان فرهنگی در داستان قرآنی حضرت سلیمان و ملکه سبأ نپرداخته‌اند. در ذیل به برخی از عناوین مرتبط با دو گروه مذکور اشاره می‌گردد:

مقاله «واکاوی مؤلفه‌های بنیادین ارتباطات میان فرهنگی از منظر قرآن کریم: بررسی تشابهات و تفاوت‌ها» نوشته‌ی محمدحسین شعاعی

این مقاله به تحلیل مؤلفه‌های بنیادین ارتباطات میان فرهنگی از منظر قرآن کریم می‌پردازد و نشان می‌دهد که برخلاف دیدگاه غربی که صرفاً بر فردگرایی و تفاوت‌ها تمرکز دارد، قرآن با به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و اشاره به «لتعارفوا»، جوهر مشترک

انسان‌ها را در قالب فطرت و حکمت معرفی می‌کند. در این راستا، ساختار ارتباطات میان‌فرهنگی در نگاه اسلامی بر سه پایه تفاوت‌ها، فطرت و حکمت استوار است که با جمع دوگانه‌های فرد-اجتماع، ساختار-عاملیت و درزمانی-همزمانی در جهت موفقیت دنیوی و سعادت اخروی حرکت می‌کند. نوآوری اصلی مقاله در طراحی چارچوب نظری انسان‌شناسی قرآنی و مقایسه آن با نگرش غربی است که می‌تواند جامعیت دین اسلام را در حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی به مخاطبان جهانی عرضه کند.

مقاله «درون‌مایه‌های یک نظریه ارتباطات میان‌فرهنگی در آموزه‌های قرآنی»

نوشته‌ی علی سلیمی

این مقاله به بررسی نظری و تحلیلی تعامل بین فرهنگی در آیات قرآن کریم می‌پردازد. با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، پنج مضمون اصلی شامل تهدید هویت و وجهه، تأثیرپذیری فرهنگی، رفتارهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر و سیاست‌های تلفیقی حکومت‌ها استخراج شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آیات قرآن به‌طور گسترده به موضوع تعامل بین فرهنگی و چالش‌های آن پرداخته و راهکارهایی برای مدیریت این تعاملات ارائه کرده است. تحلیل آیات نشان می‌دهد که تهدید هویت و حفظ وجهه نقش مهمی در شکل‌گیری تعاملات بین فرهنگی دارد. همچنین الگوهای مختلف تأثیرپذیری فرهنگی از جمله همانندسازی، جداسازی و یکپارچگی در آیات قابل‌شناسایی است. این پژوهش با ارائه چارچوبی نظری برای فهم تعاملات بین فرهنگی از منظر قرآن، به غنای مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه ارتباطات و مطالعات قرآنی کمک می‌کند.

مقاله «همشناسی فرهنگی به‌مثابه الگوی ارتباطات میان‌فرهنگی در قرآن؛ رویکردی

تطبیقی» نوشته‌ی سیدمحمدعلی غمامی، علی اصغر اسلامی تنها

همشناسی فرهنگی به‌عنوان الگوی قرآنی ارتباطات میان‌فرهنگی، با تمرکز بر سه مؤلفه اساسی خود، دیگری و تعامل و با محوریت تعارف به‌عنوان مفهومی کلیدی در قرآن، رویکردی نوین در مطالعات میان‌فرهنگی ارائه می‌دهد. تعارف به‌عنوان فرایند شناخت متقابل و تعامل سازنده میان فرهنگ‌ها، در آیه ۱۳ سوره حجرات مطرح شده و مبنای نظری مهمی برای درک روابط میان‌فرهنگی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این الگو با تأکید بر نقش محوری تعارف در شکل‌گیری هویت فرهنگی و ارائه چارچوبی عملی برای ارتباطات میان‌فرهنگی، می‌تواند به کاهش تعارضات و افزایش همبستگی اجتماعی منجر شود. نوآوری اصلی این الگو در تلفیق مفهوم قرآنی

تعارف با نظریات معاصر ارتباطات میان فرهنگی و ارائه رویکردی جامع‌نگر است که قابلیت کاربرد در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی را دارد.

مقاله «الگوی مطلوب ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان جهان از منظر قرآن کریم» نوشته‌ی محمدصادق نصراللهی، محمدرضا کوهکن

این پژوهش با رویکرد تحلیل محتوای کیفی و روش داده‌بنیاد به بررسی اصول ارتباطات بین ملت‌های مسلمان از منظر قرآن کریم پرداخته است. با تحلیل ۳۴۵ آیه قرآنی مرتبط، الگوی «ارتباط مبتنی بر هویت و تمدن مشترک مسلمانان» به‌عنوان پارادایم محوری استخراج شد که دارای ابعاد پنج‌گانه هویتی (شامل اختلاف و تنوع)، ایدئولوژیک (اعتقادات و ارزش‌های مشترک)، زمینه‌ای (شرایط تاریخی و اجتماعی)، راهبردی/تاکتیکی (اصول و روش‌های ارتباطی) و پیامدی (نتایج و دستاوردها) است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم ضمن پذیرش واقعیت تنوع و اختلاف میان ملت‌ها، وحدت و همگرایی امت اسلامی را هدف اصلی می‌داند و اصولی چون عدالت، احترام متقابل، امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با دشمنان مشترک را برای تحقق این هدف ارائه می‌کند. این الگوی ارتباطی می‌تواند چارچوبی برای تنظیم روابط میان ملت‌های مسلمان در عصر حاضر فراهم آورد.

مقاله «داستان سلیمان و بلقیس و استناد به آن در جهاد ابتدایی» نوشته‌ی سید محمدعلی ایازی

این پژوهش به بررسی داستان حضرت سلیمان و ملکه سبأ در قرآن کریم و استناد به آن در جهاد ابتدایی می‌پردازد. با تحلیل آیات مربوطه در سوره نمل، نشان داده می‌شود که اگرچه سلیمان از قدرت و اقتدار الهی برخوردار بود، اما هرگز از زور و اجبار برای ایمان آوردن ملکه سبأ استفاده نکرد. روش او مبتنی بر نشان دادن معجزات و قدرت الهی مانند انتقال تخت ملکه سبأ بود که در نهایت منجر به ایمان آگاهانه و اختیاری ملکه شد. این داستان نمی‌تواند مستندی برای اثبات جهاد ابتدایی باشد، زیرا روش سلیمان همانند سایر پیامبران مبتنی بر ایجاد آگاهی و بشارت متناسب با امکانات مادی و استفاده از روش انذار بود. این شیوه در نهایت مؤثر واقع شد و ملکه سبأ با اختیار خود ایمان آورد.

مقاله «تحلیل و بررسی قوم سبأ از منظر قرآن کریم و تاریخ» نوشته‌ی مهناز مهدی‌زاده این پژوهش به بررسی و تحلیل قوم سبأ از منظر قرآن کریم و تاریخ می‌پردازد. قوم سبأ در جنوب شبه‌جزیره عربستان زندگی می‌کردند و تمدنی درخشان داشتند. داستان

این قوم در قرآن کریم در دو سوره نمل و سبأ آمده است. در سوره نمل به برخورد حضرت سلیمان با ملکه سبأ و در سوره سبأ به فراوانی نعمت در این سرزمین و کفران نعمت آنان اشاره شده است. مهم‌ترین ویژگی‌های تمدن سبأ شامل موقعیت جغرافیایی مناسب برای تجارت، سد عظیم مأرب، باغ‌های سرسبز و نعمت‌های فراوان بود؛ اما این قوم به دلیل ناسپاسی و کفران نعمت دچار عذاب الهی شدند و سد مأرب شکسته شد و سرزمینشان به بیابانی خشک تبدیل شد. این داستان درس‌های مهمی از جمله پرهیز از کفران نعمت، اهمیت شکرگزاری و عاقبت ناسپاسی را برای انسان‌ها دارد.

مقاله «بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان (ع) و ملکه سبأ در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم» نوشته‌ی سید حسین حسینی بجدنی، مهدی مهریزی طرقی، سید محمدباقر حجتی، عنایت شریفی

این پژوهش به بررسی تطبیقی داستان حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبأ از منظر قرآن کریم و عهد قدیم می‌پردازد. قرآن کریم در مقایسه با عهد قدیم، داستان را با رویکردی هدایتی و تربیتی نقل می‌کند و بر جنبه‌های معنوی و هدایتی آن تأکید دارد. عناصر مهمی چون خبر آوردن هدهد، احضار تخت بلقیس و عبور بلقیس از صحن بلورین در قرآن آمده که در عهد قدیم نیست. همچنین قرآن بر عصمت و مقام نبوت حضرت سلیمان (ع) تأکید دارد، درحالی‌که عهد قدیم ایشان را صرفاً پادشاهی قدرتمند معرفی می‌کند. قرآن کریم برجسته‌سازی فرایند هدایت ملکه سبأ از بت‌پرستی به توحید را موردتوجه قرار می‌دهد، اما عهد قدیم تنها به بیان وقایع تاریخی و شکوه و عظمت سلطنت سلیمان (ع) می‌پردازد.

چارچوب مفهومی پژوهش

۱. مدل

مدل، از ریشه لاتینی Modus به معنای «اندازه» گرفته شده است. مدل به ماکمک می‌کند که به متن و درون پدیده‌هایی که نمی‌توانیم مستقیماً آن‌ها را ببینیم هدایت شویم. مدل جزئی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک شیء بزرگ است که از لحاظ کارکرد با شیء واقعی یکسان است (گرگی، ۱۳۸۸، ۳۳).

مدل رابط بین طرح نظری (تئوری) و کار جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات است. در علوم اجتماعی مدل‌ها شامل نشانه‌ها و علائم هستند یعنی خصوصیات بعضی از پدیده‌های تجربی (شامل اجزا و ارتباط آن‌ها) به‌طور منطقی از طریق مفاهیم مرتبط با یکدیگر بیان می‌شود؛ بنابراین مدل منعکس‌کننده واقعیت است و جنبه‌های

معینی از دنیای واقعی را که با مسئله تحت بررسی ارتباط دارند مجسم می‌سازد. روابط عمده را در میان جنبه‌های مزبور روشن می‌کند و سرانجام امکان آزمایش تجربی تئوری را با توجه به ماهیت این روابط فراهم می‌کند. بعد از آزمایش مدل درک بهتری از بعضی از قسمت‌های دنیای واقعی حاصل می‌شود. به‌طور خلاصه باید گفت که مدل دستگامی است متشکل از مفاهیم، فرضیه‌ها و شاخص‌ها که کار انتخاب و جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز برای آزمون فرضیه‌ها را تسهیل می‌کند (ایران‌نژاد، ۱۳۸۲، ۵۰).

مدل، جزء کوچک بازسازی‌شده‌ای از یک شیء یا پدیده‌ی بزرگ است؛ که از لحاظ کارکرد با آن شیء یا پدیده واقعی، یکسان است. بدین ترتیب در شرایطی که امکان دسترسی به تمام جزئیات امور و روابط پدیده‌ها، مشکل، پرهزینه و وقت‌گیر است، مدل، آن‌ها را سهل و آسان می‌کند و امکان تجزیه و تحلیل نتایج را ممکن می‌نماید (رزاقی، ۱۳۸۱، ۱۸۴). در تعریف دیگری مدل نسخه کوچک‌شده یک شیء یا پدیده است که بیشترین شباهت و حتی خصوصیات پدیده اصلی را در خود منعکس می‌کند. از طریق مدل‌ها مفاهیم ذهنی پیچیده قابل درک می‌شود. برای درک و تجزیه و تحلیل هر جریان و یا پدیده باید آن را به‌صورت مجرد بررسی کرد. درک عملی و کامل مسائل و پدیده‌ها به‌گونه‌ای کلی بسیار دشوار است (آذری، ۱۳۸۴، ۱۰۱).

مدل مطلوب مدلی است که آینه تمام‌نمای اجزای اصلی و عمده پدیده‌ی موردنظر باشد، اگرچه درست همانند واقعیت مفصل و پیچیده نیست ولی با نشان دادن روابط اصلی اجزاء و آثار آن‌ها وسیله‌ای ساده و مناسب در اختیار تحلیل‌گر است. مدل‌ها خلاصه‌ای از واقعیات و روابط اصلی بین اجزای پدیده‌ها می‌باشند و نمایی کلی از واقعیت را نشان می‌دهند (الوانی، ۱۳۷۹، ۵۴).

۲. ارتباطات میان فرهنگی

«ارتباطات میان فرهنگی» مفهومی علمی است که به بررسی تعاملات میان افراد و گروه‌هایی می‌پردازد که دارای فرهنگ‌ها، زبان‌ها، ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری متفاوت هستند.

ارتباطات میان فرهنگی زمانی شکل می‌گیرد که افراد از فرهنگ‌های گوناگون در زمینه تبادل اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی با یکدیگر تعامل می‌کنند، مشروط بر اینکه ادراکات فرهنگی و نظام‌های نمادین آن‌ها به‌قدر کافی از یکدیگر متمایز باشند. در این نوع ارتباطات، یا هیچ‌گونه پیوند فرهنگی میان طرفین وجود ندارد، یا این پیوندها بسیار محدود و سطحی‌اند. ارتباطات میان فرهنگی ابعاد و عناصر گوناگونی را در برمی‌گیرد که شامل

ادراک، فرایندهای کلامی، فرایندهای غیرکلامی و فرهنگ است (مجاور شیخان، ۱۴۰۰: ۱۹۱). ارتباطات میان فرهنگی نقش‌ها و کارکردهای متنوعی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فعالیت‌هایی چون تبادل و ترجمه کتاب، نمایش فیلم، تولید برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان کشور مقصد، موسیقی، بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی، اعزام گروه‌های ورزشی، جذب گردشگران، اعطای بورسیه‌های تحصیلی، آموزش و گسترش زبان ملی، حضور در کنفرانس‌های علمی، تبادل استاد و دانشجو میان دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی و همچنین برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی اشاره کرد. این نمایشگاه‌ها می‌توانند با محوریت موضوعاتی مانند آداب و رسوم ملت‌ها در کشورهای میزبان برگزار شوند (جمشیدی، سلطانی نژاد و بیات، ۱۳۹۵: ۴۶).

گادیکانست^۱، ریچ و اوگاوا^۲ ارتباطات میان فرهنگی را به‌عنوان «ارتباط میان افرادی با پیش‌زمینه‌های فرهنگی متفاوت» تعریف می‌کنند (بشیر، ۱۳۹۵: ۱۸۰). در واقع، وجود دو فرهنگ متمایز و انتقال پیام از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر، از ویژگی‌های اساسی ارتباطات میان فرهنگی به شمار می‌آید (رضی، ۱۳۷۷: ۱۵۰). به بیان دیگر، فردی پیام را بر پایه پیش‌زمینه فرهنگی خود رمزگذاری می‌کند و گیرنده، همان پیام را از منظر فرهنگ خود رمزگشایی می‌نماید (بشیر، ۱۳۹۳: ۷۲). گستره‌ی ارتباطات میان فرهنگی از سطح تعاملات میان فردی تا روابط در سطح بین‌المللی را شامل می‌شود (کافی، ۱۳۹۴: ۲۷۱). ارتباطات میان فرهنگی گاهی ممکن است پیامدهای منفی به همراه داشته باشد. فرهنگ‌های گوناگون، به دلیل تفاوت‌هایی که در عناصر بنیادین خود با سایر فرهنگ‌ها دارند، درک معنایی متفاوتی نیز از پدیده‌ها ارائه می‌دهند. این تمایزهای معنایی می‌توانند در برخی موارد مانع درک متقابل شوند، زمینه‌ساز سوءتفاهم گردند و حتی به بیگانگی طرف مقابل منجر شوند (بشیر، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

۳. تعارض میان فرهنگی

تعارض میان فرهنگی به‌عنوان ناسازگاری ادراک شده یا واقعی در ارزش‌ها، هنجارها، فرایندها یا اهداف بین حداقل دو طرف فرهنگی بر سر مسائل محتوایی، هویتی، ارتباطی و رویه‌ای تعریف شده است (Ting-Toomey, 2018: 304). تعارض فرهنگی در محیط‌های ارتباطات میان فرهنگی زمانی شکل می‌گیرد که اعضای جوامع فرهنگی مختلف به دلیل تفاوت‌های واقعی یا ادراک شده در ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها

1. Gudykunst.

2. Rich & Ogawa

و هنجارهای فرهنگی خود، تنش‌های عاطفی را تجربه می‌کنند (Baiutti, 2016: 7). این تعارض‌ها پیچیدگی خاصی دارند، زیرا هر فرد بر اساس مجموعه قوانین فرهنگی و الگوهای ارتباطی خاص خود عمل می‌کند (Murtiningsih, 2016: 214). ماهیت تعارض فرهنگی ریشه در شیوه‌ای که افراد واقعیت را از دریچه فیلترهای فرهنگی خود ادراک می‌کنند، دارد. افراد، بر اساس تجربیات شخصی، پیشینه فرهنگی، زبان، باورها و ارزش‌های خود، واقعیت‌های منحصربه‌فردی را خلق می‌کنند که می‌تواند منجر به تفسیرهای متضاد از یک موقعیت مشترک شود (Danylova, 2013: 43). ارزش‌های فرهنگی، تأثیر عمیقی بر سبک‌های ارتباطی دارند. برای مثال، در پاکستان، مطالعات نشان داده‌اند که افراد با پیشینه فرهنگی جمع‌گرا تمایل به استفاده از رویکردهای ارتباطی غیرمستقیم دارند و معمولاً از رویارویی مستقیم اجتناب می‌کنند. به همین ترتیب، در فرهنگ‌های با زمینه بالا، ارتباط مؤثر نیازمند توجه بیشتر به نشانه‌ها و علائم غیرکلامی است (Bashir et al. 2013: 149). این رویکردهای متفاوت به ارتباطات می‌تواند موانع قابل توجهی را هنگام تعامل افراد از پیشینه‌های فرهنگی متضاد ایجاد کند، به‌عنوان مثال: فرهنگ‌های شرقی متأثر از اصول کنفوسیوسی معمولاً اولویت را به ارتباطات غیرمستقیم و استراتژی‌های حفظ آبرو می‌دهند و بر هماهنگی اجتماعی و اجتناب از شرمندگی عمومی از طریق نشانه‌های ظریف و سیگنال‌های غیرکلامی تأکید می‌کنند. در مقابل، فرهنگ‌های غربی که ریشه در فردگرایی دارند، معمولاً صراحت و قاطعیت را ارزشمند می‌دانند و به تعارضات به‌طور صریح می‌پردازند، حتی اگر این کار باعث ناراحتی موقت شود (Mohammed, 2023: 97). تجلی تفاوت‌های فرهنگی در ارتباطات میان فرهنگی فراتر از صرف سبک‌های ارتباطی است. تفاوت در زبان‌ها، ارزش‌ها، باورها و هنجارهای اجتماعی مربوط به خانواده، هویت فردی و اقتدار به‌طور قابل توجهی بر الگوهای رفتاری و فرایندهای تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند. این تفاوت‌ها می‌توانند منجر به سوگیری‌های شناختی، تعارضات و سوءتفاهم‌ها هنگام تعامل افراد از پیشینه‌های فرهنگی مختلف شوند (Jin, 2023: 444).

ارتباطات و فرهنگ هر دو نقش مهمی در مدیریت تعارض دارند، زیرا ارتباطات می‌تواند گسترش یابد یا به مدیریت تعارض کمک کند، درحالی‌که فرهنگ تعیین می‌کند که چگونه تعارض درک و مدیریت شود (Murtiningsih, 2016: 214). یکی از ویژگی‌های اساسی تعارض فرهنگی، اجتناب‌ناپذیر بودن آن و وقوع آن در سطوح مختلف، از روابط بین فردی تا تعاملات اجتماعی، ملی و بین‌المللی است. ارتباط بین فرهنگ و تعارض

پیچیده است، زیرا تفاوت‌های فرهنگی نه تنها بر تعریف مصادیق تعارض، بلکه بر تعیین موضوعات مناسب برای بحث و انتخاب روش‌های حل تعارض تأثیر می‌گذارند (Mur-tiningsih, 2016: 214). تعارض‌های فرهنگی می‌توانند فرصتی برای گفتگو و رشد فراهم کنند و فضاهایی را ایجاد کنند که افراد در آن بتوانند از طریق بازاندیشی انتقادی و مشارکت، درک بهتری از خود و دیگران پیدا کنند (Baiutti, 2016: 7).

۴. مدیریت تعارض میان فرهنگی: صلاحیت ارتباطات میان فرهنگی^۱

بهترین شیوه برای مدیریت تعارض‌های میان فرهنگی کسب صلاحیت ارتباطات میان فرهنگی است. صلاحیت ارتباطات میان فرهنگی با گسترش جهانی شدن و افزایش تماس منظم میان فرهنگ‌های مختلف، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. صلاحیت ارتباطات میان فرهنگی به‌طور سنتی به‌عنوان توانایی فرد در عملکرد مؤثر هنگام برقراری ارتباط با نمایندگان فرهنگ‌های مختلف و در محیط‌های فرهنگی متفاوت تعریف می‌شود (Whaley, Davis, 2007: 568). صلاحیت میان فرهنگی مفهومی چندوجهی است که شامل چندین مؤلفه مرتبط به هم برای ارتباطات میان فرهنگی مؤثر است. سه بعد اصلی فرایندهای «شناختی»، «عاطفی» و «رفتاری» پایه و اساس صلاحیت میان فرهنگی را تشکیل می‌دهند (Huang, 2022: 473-474) (Babao et al. 2023: 396).

بعد شناختی بر آگاهی میان فرهنگی و کسب دانش متمرکز است. این مؤلفه شامل درک تفاوت‌های فرهنگی، شناخت الگوهای ارتباطی و توسعه انعطاف‌پذیری ذهنی برای سازگاری با زمینه‌های فرهنگی متنوع است (Huang, 2022: 473-474). مهارت‌های شناختی افراد را قادر می‌سازد تا معانی، پیام‌ها و دانش را در فرهنگ‌های خاص درک کنند و تفسیر دقیق ارتباطات فرهنگی را تسهیل می‌کند (Babao et al. 2023: 396). این بعد شامل انعطاف‌پذیری، سازگاری، تحمل، صبر، کنجکاوی درباره فرهنگ‌های مختلف و اعتماد به نفس فرهنگی است (Huang, 2022: 473-474).

بعد عاطفی نشان‌دهنده جنبه‌های احساسی صلاحیت میان فرهنگی شامل نگرش‌ها، انگیزه‌ها و حساسیت است. این مؤلفه شامل حساسیت میان فرهنگی است که به تغییرات احساسی شخصی و واکنش‌ها در تعاملات میان فرهنگی اشاره دارد (Huang, 2022: 473-474). عناصر کلیدی شامل همدلی، گشودگی، احترام به تفاوت‌های فرهنگی و مدیریت شوک فرهنگی بدون اضطراب است (Babao et al. 2023: 396). بعد عاطفی به افراد در حفظ ثبات احساسی هنگام مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی

کمک می‌کند و نگرش‌های مثبت نسبت به تعاملات میان فرهنگی را تقویت می‌کند (Sunendar et al. 2021: 81-82).

بعد رفتاری بر مهارت‌های ارتباطی عملی و اقدامات مناسب در زمینه‌های میان فرهنگی متمرکز است. این مؤلفه بر رفتارهای ارتباطی مؤثر و مناسب که با انتظارات فرهنگی همسو هستند تأکید دارد (Huang, 2022: 473-474). مهارت‌های رفتاری که گاهی به‌عنوان زیرکی میان فرهنگی شناخته می‌شوند، شامل توانایی تبادل مؤثر معنا با افراد از فرهنگ‌های مختلف از طریق ارتباطات کلامی و غیرکلامی است (Sunendar et al. 2021: 81-82) (Babao et al. 2023: 396).

محققان مدل‌های جامعی برای یکپارچه‌سازی این ابعاد پیشنهاد کرده‌اند. خوخلایف و همکاران نه سازه کلیدی صلاحیت میان فرهنگی را شناسایی کردند: ثبات/پایداری بین فرهنگی، انعطاف‌پذیری، گشودگی، علاقه، فقدان قوم‌محوری، حساسیت فرهنگی، همدلی بین فرهنگی، مدیریت روابط میان فرهنگی و تحمل عدم قطعیت میان فرهنگی (Khukhlaev et al. 2020: 22). این سازه‌ها را می‌توان در سه گروه سازماندهی کرد: ویژگی‌های میان فرهنگی، نگرش‌های جهان‌بینی و مهارت‌های میان فرهنگی که با ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری همسو هستند (Khukhlaev et al. 2020: 22).

مدل هرمی صلاحیت میان فرهنگی، نگرش‌های لازم (احترام، گشودگی، کنجکاوی) را در پایه قرار می‌دهد و به دنبال آن دانش و مهارت‌ها که با هم پیامدهای درونی مطلوب (سازگاری، انعطاف‌پذیری، همدلی) و پیامدهای بیرونی (ارتباط و رفتار مؤثر) را پشتیبانی می‌کنند (Lukešová, 2015: 2). این مدل بر وابستگی متقابل این مؤلفه‌ها تأکید دارد و نشان می‌دهد که صلاحیت میان فرهنگی مؤثر نیازمند توسعه در تمام ابعاد است.

صلاحیت میان فرهنگی در نهایت افراد را قادر می‌سازد تا از طریق آگاهی، مهارت‌ها و نگرش‌های توسعه‌یافته، به‌طور مؤثر و مناسب در موقعیت‌های بین فرهنگی ارتباط برقرار کنند (Lukešová, 2015: 2). این صلاحیت فراتر از دانش یا حساسیت صرف است زیرا شامل ادغام و تبدیل مهارت‌ها و اطلاعات کسب‌شده است که هم‌افزایی فرهنگی را در محیط‌های ارتباطی ایجاد می‌کند (Huang, 2022: 473-474). با تشدید برخوردهای میان فرهنگی در اثر جهانی شدن، این صلاحیت‌ها برای هدایت پیچیدگی‌های ارتباطات میان فرهنگی در زمینه‌های حرفه‌ای، آموزشی و اجتماعی ضروری شده‌اند (Babao et al. 2023: 396).

توسعه صلاحیت ارتباطات میان فرهنگی (ICC) اغلب از طریق یادگیری تجربی و عمل بازانديشانه رخ می‌دهد. پژوهش‌های خودمردم‌نگارانه نشان داده است که چگونه مواجهه با لحظات ناراحتی و تفاوت فرهنگی می‌تواند کاتالیزور توسعه ICC باشد، به‌ویژه زمانی که افراد به تأمل عمده درباره این تجربیات می‌پردازند (Duisembekova, 2025: 20). خودآگاهی فرهنگی - درک اینکه چگونه پیشینه فرهنگی شخص بر ادراکات و واکنش‌های او تأثیر می‌گذارد - نقش مهمی در توسعه توانایی هدایت شیوه‌های ارتباطی متنوع و مدیریت مؤثر سوءتفاهم‌های فرهنگی ایفا می‌کند (Duisembekova, 2025: 20).

صلاحیت میان فرهنگی و اعتماد به‌عنوان عناصر کلیدی در پیشگیری یا حل سوءتفاهم‌ها و تعارضات میان فرهنگی شناخته می‌شوند. ماهیت پیچیده سوءتفاهم‌های میان فرهنگی - که تحت تأثیر عواملی از جمله فرهنگ، ادراک، هویت و قوم‌محوری قرار دارد - رویکردی پیچیده به مدیریت تعارض را می‌طلبد. ICC مؤثر افراد را قادر می‌سازد منابع بالقوه تعارض را شناسایی کنند، استراتژی‌های ارتباطی خود را به‌طور مناسب تطبیق دهند و روابط و اعتماد لازم برای جلوگیری از تشدید یا تسهیل حل و فصل را ایجاد کنند (Hinner, 2017: 885-886). این رویکرد چندوجهی تصدیق می‌کند که راه‌حل جهانی برای همه تعارضات بین فرهنگی وجود ندارد، بلکه ارتباط‌گران شایسته باید انعطاف‌پذیری و پاسخ‌های متناسب با زمینه را توسعه دهند (Hinner, 2017: 885-886).

روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی بوده و تحلیل داده‌ها بر اساس روش تحلیل مضمون انجام شده است. هدف اصلی این روش، شناسایی و تحلیل الگوهای معنایی (مضامین) در یک مجموعه داده متنی یا کلامی است.

در این پژوهش، داده‌های اولیه از آیات ۲۰ تا ۴۳ سوره نمل و تفاسیر مرتبط با داستان حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبأ جمع‌آوری شده‌اند. فرایند تحلیل مضمون برای این داده‌ها شامل مراحل زیر - فرایند شش مرحله‌ای پیشنهادی براون و کلارک (۲۰۰۶) - بوده است که به تدریج به شکل‌گیری جداول نهایی منجر شده است:

۱. آشنایی با داده‌ها: در این مرحله، پژوهشگر با مطالعه دقیق و مکرر آیات انتخاب‌شده و تفاسیر آن‌ها، با محتوای داستان و مفاهیم مرتبط با آن آشنا شده است. این مرحله شامل خواندن دقیق و بازخوانی داده‌ها بوده است. در این خوانش، به دنبال مفاهیم، ابعاد ارتباطات و جوانب فرهنگی مرتبط با موقعیت تعارض بوده‌اند.

۲. کدگذاری اولیه: در این گام، داده‌های استخراج شده از آیات و تفاسیر، کدگذاری شده‌اند. به این معنا که به بخش‌های معنی‌دار متن (شامل جملات، عبارات یا حتی پاراگراف‌ها) برچسب‌هایی (کد) اختصاص داده شده است که نشان‌دهنده مفهوم اصلی آن بخش است. جدول ابتدایی که در صفحه ۱۲ فایل ارائه شده، نتیجه این مرحله است که کدهای پایه (برچسب‌ها یا عبارات کوتاه) در ستون سمت چپ و منبع آن‌ها (آیات و تفاسیر مربوطه) در ستون سمت راست ارائه شده است. این کدها در واقع خلاصه‌سازی و ترکیب مستقیم عبارات از متن منبع هستند.

۳. جستجو و شناسایی مضامین: در این مرحله، پژوهشگر با بررسی کدهای اولیه و یافتن شباهت‌ها، تفاوت‌ها و ارتباطات میان آن‌ها، شروع به دسته‌بندی و گروه‌بندی کدها کرده است. کدهایی که به یک مفهوم یا ایده کلی‌تر اشاره داشتند، زیر چتر یک مضمون پایه قرار گرفته‌اند. این مضامین پایه، نتایج تلخیص و ترکیب کدهای (آیات و تفاسیر) هستند. (در جدول اصلی یافته‌ها، این مضامین پایه در ستون سمت چپ ارائه شده‌اند).

۴. بازنگری و اصلاح مضامین: مضامین اولیه شناسایی شده مورد بازنگری قرار گرفته‌اند. برخی مضامین که به هم نزدیک بودند یا اطلاعات مشابهی داشتند، با هم ادغام شده‌اند و برخی دیگر که پشتیبانی کافی در داده‌ها نداشتند، حذف یا اصلاح شده‌اند. این مرحله به اطمینان از انسجام و ارتباط منطقی میان مضامین کمک می‌کند.

۵. تعریف و نام‌گذاری مضامین: در این گام، هر یک از مضامین پایه که در مرحله قبل تثبیت شده‌اند، به‌طور واضح تعریف و نام‌گذاری شده‌اند. سپس این مضامین پایه ذیل مضامین سازمان‌دهنده و درنهایت مضامین فراگیر قرار گرفته‌اند. این سازماندهی سلسله‌مراتبی، نمایانگر ساختار کلی یافته‌هاست.

۶. تهیه گزارش نهایی: درنهایت، گزارشی از یافته‌ها تهیه شده است که شامل ارائه مضامین (پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر) همراه با مثال‌ها و شواهدی از داده‌های اولیه (آیات و تفاسیر) برای حمایت از آن‌ها است.

ارتباط با جداول و سؤالات تحقیق:

جداول ارائه‌شده در بخش یافته‌ها، در واقع خروجی نهایی فرایند تحلیل مضمون بر روی داده‌ها هستند.

- جدول ابتدایی نمونه‌ای از کدهای پایه است که مستقیماً از آیات و تفاسیر استخراج شده‌اند.
- جدول اصلی مضامین، ساختار سلسله‌مراتبی یافته‌ها را نشان می‌دهد: مضامین پایه که از گروه‌بندی کدها به دست آمده‌اند، تحت پوشش مضامین سازمان‌دهنده قرار گرفته‌اند و این مضامین سازمان‌دهنده نهایتاً ذیل سه مضمون فراگیر اصلی قرار می‌گیرند.

این سه مضمون فراگیر (مدیریت تعارض میان‌فرهنگی، راهبردهای ارتباطی میان‌فرهنگی و فرایند تحول فرهنگی) مستقیماً با سه سؤال مطرح‌شده در مقدمه پژوهش هماهنگ هستند. به این ترتیب، یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون که در قالب این جداول و شبکه مضامین (شکل ۱) نمایش داده شده‌اند، پاسخی جامع به پرسش‌های اصلی پژوهش ارائه می‌دهند.

به‌طور خلاصه، روش تحلیل مضمون در این پژوهش شامل مطالعه عمیق متن منبع (آیات و تفاسیر)، خرد کردن متن به قطعات کوچک‌تر و برچسب‌گذاری آن‌ها (کدگذاری)، سپس گروه‌بندی کدها در مفاهیم کلی‌تر (مضامین پایه) و در نهایت سازماندهی این مضامین در سطوح بالاتر (مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر) متناسب با سؤالات پژوهش بوده است و جداول ارائه شده، نتیجه و نمایشی از این فرایند تحلیل هستند.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از ابزار تحلیلی شبکه مضامین برای تحلیل مضمون‌های به‌دست‌آمده استفاده شد. شبکه مضامین به‌دست‌آمده به‌صورت نظام‌مند در قالب جداولی ارائه می‌شوند که شامل موارد ذیل هستند: مضامین پایه و کدها (آیات و تفاسیر)؛ مضامین سازمان‌دهنده (حاصل ترکیب و تلخیص مضامین پایه)، مضامین فراگیر (مضامین دربردارنده محورهای اصلی متن داستان). پس از استخراج مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر، مدل ارتباطات میان‌فرهنگی در موقعیت تعارض میان‌فرهنگی متناسب با محورهای اصلی داستان حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبأ ترسیم شد.

جدول مضامین پایه

این جدول حاوی کدهای اولیه (کدهای پایه) است که مستقیماً از منبع داده‌ها (آیات و تفاسیر سوره نمل) استخراج شده‌اند. بخش‌های مختلف این جدول عبارت‌اند از:

۱. ستون سمت راست: این ستون «منبع» هر کد را نشان می‌دهد. این منابع شامل

آیات مشخصی از سوره نمل و همچنین تفاسیر مرتبط با آن آیات هستند. این ستون به خواننده نشان می‌دهد که هر کد پایه خاص از کدام قسمت از متن اصلی استخراج و برجسب‌گذاری شده است. به‌عنوان مثال، در ردیف اول، کد «دریافت نامه» از آیه «الَّتِي أُلْقِيَ كِتَابُ كَرِيمٍ» و تفسیر مرتبط با آن (شیرازی، مکارم ۱۳۷۱، ۴۵۲) گرفته شده است.

۲. ستون سمت چپ: این ستون حاوی «کدهای پایه» (مضامین پایه در جدول ارائه شده) است. این کدها در واقع برجسب‌ها یا عبارات کوتاهی هستند که به بخش‌های معنی‌دار متن (آیات و تفاسیر) اختصاص داده شده است. این کدها خلاصه‌سازی یا ترکیب مستقیم عبارات کلیدی از منبع اصلی هستند و نشان‌دهنده مفاهیم اصلی موجود در آن بخش از متن می‌باشند. به‌عنوان مثال، «دریافت نامه»، «مشورت با بزرگان»، «تأمل پیرامون عواقب پیشنهاد بزرگان» نمونه‌هایی از این کدهای پایه هستند.

ردیف	کدها (آیات و تفاسیر)	مضامین پایه
۱	أَتِي الْقِيَّ إِلَيَّ كِتَابُ كَرِيمٍ، ملکه سبا پیک نامه‌رسان را ندیده بود، ولی از قرائن که در نامه وجود داشت اصالت نامه را احساس کرد و هیچ احتمال نداد که نامه معجولی باشد و یا به چشم خودش پیک را دید و وضع اعجاب آور او خود دلیل بر این بوده که واقعیتی در کار است و مسئله يك مسئله عادی نیست، هر چه بود با اطمینان روی نامه تکیه کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۵۲).	دریافت نامه
۲	يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُون، کلمه «افتاء» به معنای اظهار نظریه و فتوا است و فتوا همان رأی و نظریه است و قطع امر به معنای عملی کردن تصمیم و عزم بر آن است و کلمه «شهادت» به معنای حضور است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۲)	مشورت با بزرگان
۳	إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَافَ أَهْلِهَا آذَانًا وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ، جنگ عاقبتی ندارد، مگر غلبه یکی از دو طرف و شکست طرف دیگر، یعنی فساد قریه‌ها و شهرها و ذلت عزیزان آن و چون چنین است، نباید بدون تحقیق اقدام به جنگ کرد، باید نیروی خود را با نیروی دشمن بسنجیم، اگر تاب نیروی او را نداشتیم تا آنجا که راهی به صلح و سلم داریم اقدام به جنگ نکنیم، مگر اینکه راه، منحصر به جنگ باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۳).	تأمل پیرامون عواقب پیشنهاد بزرگان
۴	وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ، نظر من این است که هدیه‌ای برای او بفرستیم، ببینیم فرستادگان ما چه خبری می‌آورند، آن وقت تصمیم به یکی از دو طرف جنگ یا صلح بگیریم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۳). این گونه سخن گفتن لحن سخن گفتن پادشاهان است، که اقتدار و عظمت شاهانه را می‌رساند و گر نه در کلام خود، نام سلیمان را می‌برد، لیکن زبان خود را از بردن نام او نگه داشت و مسئله را به او و درباریانش باهم نسبت داد و نیز فهمانید که سلیمان هم هر چه می‌کند به دست یاران و ارتشیان و به کمک رعیت خود می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۴).	ارزیابی شیوه مواجهه با طرف مقابل با ارسال هدیه

<p>مواجهه با مظاهر قدرت و فرهنگ طرف مقابل</p>	<p>۵ قِيلَ أَهَكَذَا عَزَّشِكُ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ، حَسْبَتْهُ لِحْجَةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرَخَ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرٍ، پس ملکه سبا وقتی این همه عظمت از ملک سلیمان دید و نیز آن داستان را که از جریان همد و برگرداندن هدایا و نیز آوردن تختش از سبا به دربار وی به خاطر آورد، دیگر شکی برایش نماند که اینها همه معجزات و آیات نبوت است و کار حزم و تدبیر نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۲۲).</p>
<p>پذیرش مظاهر قدرت و فرهنگ طرف مقابل</p>	<p>۶ أَوْتِنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ، وقتی ملکه تخت را می بیند و درباریان سلیمان از آن تخت از وی می پرسند، احساس کرده که منظور آنان از این پرسش این است که: به وی تذکر دهند که متوجه قدرت خارق العاده سلیمان (ع) باش، لذا چون از سؤال آنان این اشاره را فهمیده، در پاسخ گفته است: ما قبلا از چنین سلطنت و قدرتی خبر داشتیم، یعنی احتیاجی به این اشاره و تذکر نیست، ما قبل از دیدن این معجزه، از قدرت او و از این حالت خبر داشتیم و تسلیم او شده بودیم و لذا در اطاعت و فرمان او سر فرود آوردیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۲۱).</p>
<p>تغییر فرهنگی و پذیرش عقیده طرف مقابل (تحول در نگرش)</p>	<p>۷ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اعتراف ملکه هنگام داخل شدن به قصر که می گوید: اسلمت مع سلیمان لله رب العالمین، با اسلامی که قبلا بدان تصریح کرد و گفت: وَكُنَّا مُسْلِمِينَ اشتباه نشود، برای اینکه آن اسلام، تسلیم شدنش در برابر سلیمان بود و این اسلام، تسلیم خدا شدن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۲۲).</p>
<p>دریافت خبر (صفت خبر، مفاد خبر، تحلیل خبر، پیش بینی پس از تحلیل، تعلیق پذیرش خبر)</p>	<p>۸ بَنَاتٍ يَتِيمَاتٍ، إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ، وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ، وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ، أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ، فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ، قَالَ سَنُنظِّرُ أَصْدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ، من به سرزمین سبا رفته بودم زنی را در آنجا یافتم که بر آنها حکومت می کند و همه چیز را در اختیار دارد مخصوصا تخت عظیمی داشت، مشاهده کردم آن زن و قوم و ملتش در برابر خورشید- نه در برابر الله- سجده می کنند! آنها چنان در بت پرستی فرورفته اند که من باور نمی کنم به آسانی از این راه برگردند، آنها هدایت نخواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۴۳-۴۴۴). سلیمان (ع) دآوری درباره همد را به آینده محول کرده و او را بدون تحقیق تصدیق نفرمود، چون همد بر گفته های خود شاهی نبی وارد، البته تکذیبش هم نکرد، چون آن جناب دلیلی بر کذب او نداشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۴۴).</p>
<p>چگونگی رصد طرف مقابل</p>	<p>۹ فَالْقِهِ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ، این نامه مرا به سوی ایشان، یعنی ملکه سبا و مردمش ببر و نزد ایشان ببنداز و خودت را کنار بکش و در محلی قرار گیر که تو آنان را ببینی، آن گاه ببین چه عکس العملی از خود نشان می دهند، یعنی وقتی بحث در میان آنان درگیر می شود باهم چه می گویند؟ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۰۹) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۵۱).</p>
<p>ارزیابی موقعیت طرف مقابل پیش از تصمیم گیری</p>	<p>۱۰ فَانظُرْ بِمَ يَرْجِعُ الْمُؤَسَّلُونَ، یعنی ببینیم چه عکس العملی نشان می دهد تا ما نیز به مقتضای وضع او عمل کنیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۴).</p>
<p>ارسال نامه</p>	<p>۱۱ اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا، این نامه مرا به سوی ایشان، یعنی ملکه سبا و مردمش ببر (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۰۹).</p>

۱۲	اِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ، اِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، اَلَّا تَعْلُوْا عَلٰی وَاَتُوْنِیْ مُسْلِمِیْنَ، متن نامه سلیمان (تعیین فرستنده نامه، شروع با نام خدا، بیان کوتاه و مختصر خواسته)
۱۳	اَلَّا تَعْلُوْا عَلٰی وَاَتُوْنِیْ مُسْلِمِیْنَ، منظور از برتری نجستن، این است که بر من استکبار نکنید و مطیع و منقاد به سویم حرکت کنید، چون مسلم بودن آنان در این موقعیت همین است که مطیع وی شوند، نه اسلام به معنای ایمان به خدای سبحان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۲)
۱۴	اِنِّیْ مُرْسَلَةٌ اِلَيْهِمْ بِهَدِیَّةٍ، من هدیه قابل ملاحظه‌ای برای آن‌ها می‌فرستم تا ببینم فرستادگان من چه واکنشی را از ناحیه آن‌ها برای ما می‌آورند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۵۱).
۱۵	اَتَمِدُوْنَیْ بِمَالٍ، استفهام در جمله «اَتَمِدُوْنَیْ بِمَالٍ» توییحی است و خطاب در آن به فرستاده و فرستنده هر دو برمی‌گردد و این را تغلیب گویند، که صاحب سخن رو به حاضران کند، ولی حاضر و غایب را مورد عتاب قرار دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۴)
۱۶	اَنْتُمْ یَهْدِیْتُمْکُمْ تَفْرَحُوْنَ، اعراض از توییح قبلی به توییحی دیگر است؛ یعنی در جمله قبلی فرمود: این کار شما کار زشتی است و در این جمله می‌فرماید: از آن زشت‌تر اینکه، شما هدیه خود را خیلی بزرگ می‌شمارید و آن را ارج می‌نهدید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۵).
۱۷	اِزْجَعُ اِلَيْهِمْ فَلَنَاتِبَنَّہُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَہُمْ بِہَا وَلَنُخْرِجَنَّہُمْ مِنْہَا اَذَلَّةً وَہُمْ صَاعِرُوْنَ، به سوی آنان بازگرد (و این هدایا را نیز با خود ببر) اما بدان ما به زودی با لشکرهایی به سراغ آن‌ها خواهیم آمد که توانایی مقابله با آن را نداشته باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۶۲).
۱۸	اَہْکَذَا عَرْشُکَ، اِنَّہُ صَرُوحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِیْرِ، در تواریخ آمده است که او تخت گرانبهای خود را در جای محفوظی، در قصر مخصوص خود در اطاقی که مراقبان زیاد از آن حفاظت می‌کردند و درهای محکمی داشت، قرار داده بود. آمدن تختش به سرزمین سلیمان، از طرق عادی امکان نداشت، مگر اینکه معجزه‌ای صورت گرفته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۸۰).
۱۹	اَیْکُمْ یَاتِیْنِیْ بِعَرْشِہَا، نَکْرُوا لَہَا عَرْشِہَا، نَنْظُرُ اَتَہْدِیْ اَمْ تَکُوْنُ مِنَ الذّٰلِیْنَ لَا یَہْتَدُوْنَ، کدام یک از شما تخت ملکه سبا را قبل از اینکه ایشان نزد ما آیند در اینجا حاضر می‌سازد؟ و منظورش از این فرمان این است که وقتی ملکه سبا تخت خود را از چندین فرسخ فاصله در حضور سلیمان حاضر دید، به قدرتی که خدا به وی ارزانی داشته و به معجزه آشکار او، بر نبوتش پی برد تا در نتیجه تسلیم خدا گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۶). منظورش از اصل آوردن تخت، اظهار معجزه‌های آشکار از آیات نبوتش بود و به همین جهت دستور داد تخت او را به صورتی ناشناس درآورند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۲۰).
۲۰	اَلَّا تَعْلُوْا عَلٰی، اِنَّ الْمُلُوْکَ اِذَا دَخَلُوْا قَرْیَةً اَفْسَدُوْہَا وَجَعَلُوْا اَعْرَۃً اَہْلِہَا اَذَلَّةً وَ کَذٰلِکَ یَفْعَلُوْنَ، مضمونش نهی از علو بر صاحب نامه و امر به آمدن ملکه و تسلیم او شدن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۱).
	عدم تمایل به جنگ و خشونت

<p>حکمرانی ملکه سبأ: مشورت با بزرگان و تصمیم‌گیری فردی، بهره‌گیری از عقلانیت و تجربه</p>	<p>۲۱</p> <p>يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُون، وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدْيِهِ فَيَنْظُرُونَنِي بِمِ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ، إِنَّ الْمَلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا أَذْلَهُ وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ، در این امر یعنی فرمانی که سلیمان در نامه خود داده، کمک فکری دهید و اگر من در این پیشامد با شما مشورت می‌کنم بدان جهت است که من تاکنون در هیچ امری استبداد به خرج نداده‌ام، بلکه هر کاری کرده‌ام با مشورت و در حضور شما کرده‌ام (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۲). از کلام درباریان برمی‌آید که آنان میل داشتند چون ملکه فهمیده بود لذا نخست از جنگیدن مذمت کرد، در آخر رأی خود را ارائه داد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۳).</p>
<p>حکمرانی سلیمان: اعتقاد به توحید افعالی، بهره‌گیری از کارگزاران شایسته دارای: قدرت تحلیل و ارزیابی، برخوردی از دانش و معنویت، امین بودن در عین قدرت، عقیده به توحید و مالک حقیقی، فراهم‌سازی امکان آزادی بیان، اشراف کامل بر کارگزاران، اقتدار مبتنی بر عقلانیت و حکمت</p>	<p>۲۲</p> <p>وَجَدْتَهَا وَفَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَرَبِّينَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالُهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ، أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ، عِنْدَهُ عِلْمُ مِنَ الْكِتَابِ، إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِي أَمِينٌ، اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، أَحْطَطُ بِمَا لَمْ تَحْطُ بِهِ، تَتَّقِدُ الطَّيْرُ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْعَائِيينَ، لِأَعْدَبْتَهُ عَدَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُبِينِ، در حقیقت سلیمان علیه‌السلام بی‌آنکه غائبانه داوری کند تهدید لازم را در صورت ثبوت تخلف نمود و حتی برای تهدید خود دو مرحله قائل شد که متناسب با مقدار گناه بوده باشد: مرحله مجازات بدون اعدام و مرحله مجازات اعدام. ضمناً نشان داد که او حتی در برابر پرنده ضعیفی تسلیم دلیل و منطق است و هرگز بر قدرت و تواناییش تکیه نمی‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۴۲).</p>
<p>نظام اعتقادی ملکه سبأ: خورشیدپرستی</p>	<p>۲۳</p> <p>وَجَدْتَهَا وَفَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ، این آیه دلیل بر این است که مردم آن شهر وثنی مذهب بوده‌اند و آفتاب را به عنوان رب‌النوع می‌پرستیده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۰۶)</p>
<p>نظام اعتقادی حضرت سلیمان: توحیدی و یکتاپرستی</p>	<p>۲۴</p> <p>هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّيَ عَزِيزٌ كَرِيمٌ، إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، حضور تخت بلقیس در نزد من در کمتر از یک طرفه‌العین - از فضل پروردگار است، بدون اینکه در خود من استحقاقی بوده باشد، بلکه خدای تعالی این فضیلت را به من ارزانی داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۹)</p>
<p>مؤلفه قدرت ملکه سبأ: قدرت مادی (حکومت)، دارایی و ثروت فراوان، تخت عظیم، قوای نظامی</p>	<p>۲۵</p> <p>امْرَأَةٌ تَمْلِكُهُمْ وَأَوْثَقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ، نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ، منظور از «کل شیء» در آیه هر چیزی است که سلطنت عظیم محتاج به داشتن آنها است، مانند حزم و احتیاط و عزم و تصمیم راسخ و سطوت و شوکت و آب‌وخاک بسیار و خزینه سرشار و لشکر و ارتشی نیرومند و رعیتی فرمان‌بردار، لیکن از بین همه اینها، تنها نام عرش عظیم را برد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۰۶).</p>
<p>مؤلفه‌های قدرت سلیمان: قدرت مادی (حکومت) و قدرت معنوی (علم، حکمت و توانایی‌های الهی)</p>	<p>۲۶</p> <p>فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُم، مرادش از «فَمَا آتَانِي اللَّهُ» همان سلطنت و نبوت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۵).</p>

جدول مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر

این جدول خروجی اصلی فرایند تحلیل مضمون است و ساختار سلسله‌مراتبی یافته‌های پژوهش را نشان می‌دهد. بخش‌های مختلف این جدول عبارت‌اند از:

۱. ستون مضامین پایه: این ستون حاوی «مضامین پایه» است. این‌ها در واقع کدهای اولیه یا گروه‌های کوچکی از کدهای اولیه هستند که در مراحل ابتدایی تحلیل مضمون از آیات و تفاسیر استخراج و تلخیص شده‌اند. این مضامین پایه نشان‌دهنده مفاهیم جزئی‌تر و مشخص‌تری هستند که مستقیماً از داده‌های خام (آیات و تفاسیر مرتبط) به دست آمده‌اند.

۲. ستون مضامین سازمان‌دهنده: این ستون شامل «مضامین سازمان‌دهنده» است. این مضامین سطحی میانی در سلسله‌مراتب مضامین هستند و از گروه‌بندی و ترکیب مضامین پایه مرتبط با یکدیگر به دست آمده‌اند. آن‌ها مفاهیم کلی‌تر و انتزاعی‌تری را نسبت به مضامین پایه ارائه می‌دهند و به سازماندهی و ساختارمند کردن یافته‌های جزئی‌تر کمک می‌کنند.

۳. ستون مضامین فراگیر: این ستون دربرگیرنده «مضامین فراگیر» است. این‌ها بالاترین سطح مضامین در تحلیل هستند و جامع‌ترین و کلی‌ترین مفاهیم استخراج شده از داده‌ها را نشان می‌دهند. مضامین فراگیر از گروه‌بندی و سازماندهی مضامین سازمان‌دهنده حاصل می‌شوند. نکته بسیار مهم این است که این مضامین فراگیر سه‌گانه مستقیماً با سه سؤال اصلی پژوهش که در مقدمه مطرح شده بودند، هماهنگ هستند. این سه مضمون فراگیر عبارت‌اند از:

- مدیریت تعارض میان فرهنگی
- راهبردهای ارتباطی میان فرهنگی
- فرایند تحول فرهنگی

این مضامین فراگیر، پاسخ‌های اصلی پژوهش به سؤالات مطرح شده را در

برمی‌گیرند.

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
مدیریت تعارض میان فرهنگی	شناسایی تعارض‌های فرهنگی	تعارض در نوع حکمرانی: (حکمرانی ملکه سبأ: مشورت با بزرگان و تصمیم‌گیری فردی، بهره‌گیری از عقلانیت و تجربه/ حکمرانی سلیمان: اعتقاد به توحید افعالی، بهره‌گیری از کارگزاران شایسته، فراهم‌سازی امکان آزادی بیان، اشراف کامل بر کارگزاران، اقتدار مبتنی بر عقلانیت و حکمت) تعارض در نظام اعتقادی: (نظام اعتقادی ملکه سبأ: خورشیدپرستی/ نظام اعتقادی حضرت سلیمان: توحیدی و یکتاپرستی) تعارض در مؤلفه‌های قدرت: (مؤلفه قدرت ملکه سبأ: قدرت مادی (حکومت، دارایی و ثروت فراوان، تخت عظیم، قوای نظامی)/ مؤلفه‌های قدرت سلیمان: قدرت مادی (حکومت) و قدرت معنوی (علم، حکمت و توانایی‌های الهی))
	تمایل به گفتگوی سازنده	دعوت به مذاکره مستقیم، عدم تمایل به جنگ و خشونت
حل تعارض خلاقانه	توییح گروه دیپلماتیک، تحقیر آداب دیپلماتیک، تهدید به جنگ (دیپلماسی قهری)، طرح‌ریزی برای مواجهه، نمایش قدرت	
راهبردهای ارتباطی میان فرهنگی	رصد هوشمندانه	دریافت خبر (صفت خبر، مفاد خبر، تحلیل خبر، پیش‌بینی پس از تحلیل، تعلیق پذیرش خبر)، چگونگی رصد طرف مقابل، ارزیابی موقعیت طرف مقابل پیش از تصمیم‌گیری
	ارتباطات رسمی دیپلماتیک	ارسال نامه، متن نامه سلیمان (تعیین فرستنده نامه، شروع با نام خدا، بیان کوتاه و مختصر خواسته)، دعوت به مذاکره مستقیم، ارسال هدیه دیپلماتیک
	دیپلماسی قهری	تحقیر، توییح، تهدید به جنگ
	دیپلماسی علمی و فناوری	نمایش قدرت در حین مذاکره
فرایند تحول فرهنگی	مواجهه با موقعیت جدید	دریافت نامه
	مشورت و تأمل	مشورت با بزرگان، تأمل پیرامون عواقب پیشنهاد بزرگان
	ارزیابی موقعیت	ارزیابی شیوه مواجهه با طرف مقابل با ارسال هدیه
	مواجهه و تحول نگرش	مواجهه با مظاهر قدرت و فرهنگ طرف مقابل، پذیرش مظاهر قدرت و فرهنگ طرف مقابل، تغییر فرهنگی و پذیرش عقیده طرف مقابل (تحول در نگرش)

توضیحات جدول مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر

۱. مدیریت تعارض میان فرهنگی

اولین گام برای مدیریت تعارض شناسایی منشأ تعارض است در داستان حضرت سلیمان و ملکه سبأ، وقتی سلیمان توسط هدهد از وجود قوم سبأ مطلع می‌گردد با سه نوع تعارض مواجه می‌شود. این تعارض‌ها در نسبت‌سنجی نوع حکمرانی، نظام اعتقادی و مؤلفه‌های قدرت دو حکومت سلیمان و ملکه سبأ قابل ادراک است. این دو حکومت از منظر حکمرانی کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند. از منظر اعتقادی نیز نظام اعتقادی ملکه سبأ، مبتنی بر خورشیدپرستی بود درحالی‌که نظام اعتقادی حضرت سلیمان، مبتنی بر توحید و یکتاپرستی بود. مؤلفه قدرت حکومت ملکه سبأ تنها مبتنی بر قدرت مادی اعم از حکومت، دارایی و ثروت فراوان، تخت عظیم، قوای نظامی است، درحالی‌که مؤلفه‌های قدرت حکومت سلیمان مبتنی بر قدرت مادی (حکومت) و قدرت معنوی (علم، حکمت و توانایی‌های الهی) است.

پس از آگاهی حضرت سلیمان از تعارض‌های فرهنگی موجود و به خاطر رسالتی که از جانب خداوند عهده‌دار آن بود، او تصمیم می‌گیرد از طریق دیپلماسی و با ارسال نامه عدم تمایل خودش به خشونت را در حل این تعارض یا مدیریت آن نشان دهد و در آن ملکه سبأ را به مذاکره مستقیم دعوت نمود.

پس از دریافت نامه ملکه سبأ که با موقعیت جدیدی مواجه شده بود و ارزیابی دقیقی از آن نداشت تصمیم می‌گیرد برای تصمیم‌گیری درباره چگونگی تعامل با حضرت سلیمان هدایایی برای او ارسال نماید. حضرت سلیمان در مواجهه با این هدایا و به‌منظور دستیابی به هدف خودش در حل این تعارض ذیل رسالت الهی خودش، در ابتدا گروه اعزامی ملکه سبأ را توبیخ می‌کند، هدایای آن‌ها را در مقابل آنچه خداوند به او عطا کرد تحقیر می‌کند و آداب دیپلماتیک آن‌ها را که در مقابل سلاطین کارایی دارد و در چشم آن‌ها کاری بزرگ محسوب می‌شد کوچک می‌شمارد و در نهایت آن‌ها را به جنگ تهدید می‌کند. پس از اطلاع یافتن ملکه سبأ از نوع مواجهه سلیمان با هیئت اعزامی و هدایای ارسالی، او تصمیم می‌گیرد برای جلوگیری از جنگ به‌صورت مستقیم با سلیمان مذاکره کند. سلیمان که به نحوی از آمدن ملکه سبأ مطلع می‌شود، به طرح‌ریزی برای مواجهه‌ای مقتدرانه با ملکه سبأ می‌پردازد، ابتدا تخت ملکه سبأ را که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت او بود را توسط یکی از درباریان خود به قصر خویش می‌آورد و سپس برای سنجش هوش ملکه سبأ ظاهر آن را تغییر می‌دهد.

در نهایت نیز برای نمایش قدرت خویش، ملکه سبا را با یکی از جلوه‌های مادی قدرت خودش یعنی تالاری که با شیشه سنگ‌فرش شده بود مواجهه می‌سازد.

۲. راهبردهای ارتباطی میان‌فرهنگی

در داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا، رصد هوشمندانه به‌عنوان یک راهبرد کلیدی در تصمیم‌گیری‌های طرفین نمود پیدا می‌کند. هدهد با دقت و ظرافت، اطلاعات جامعی از سرزمین سبا، شامل نوع حکومت، باورهای مردم و قدرت نظامی آن‌ها به سلیمان ارائه می‌دهد. سلیمان نیز پیش از پذیرش این گزارش، صحت آن را مورد آزمون قرار می‌دهد. از سوی دیگر، ملکه سبا با دریافت نامه سلیمان، پیش از هرگونه تصمیم‌گیری، به ارزیابی دقیق موقعیت می‌پردازد و با ارسال هدایا، سعی در شناخت ماهیت و اهداف حقیقی سلیمان دارد. این رویکرد دوجانبه در رصد و ارزیابی یکدیگر، نشان‌دهنده اهمیت اطلاعات دقیق و تحلیل هوشمندانه در تصمیم‌گیری‌های راهبردی است.

در مسیر تعاملات میان حضرت سلیمان و ملکه سبا، ارتباطات رسمی دیپلماتیک نقش محوری را ایفا می‌کند. این ارتباط با نامه‌ای رسمی از جانب سلیمان آغاز می‌شود که با عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع شده و حاوی دعوتی صریح به پذیرش حق و عدم سرکشی است. ملکه سبا در پاسخ به این مکاتبه رسمی، از ابزار دیپلماتیک هدیه بهره می‌گیرد و با ارسال هدایایی ارزشمند، مسیر مذاکره مستقیم را هموار می‌سازد. این تبادلات دیپلماتیک، نشان‌دهنده رعایت اصول و آداب ارتباطات رسمی بین‌المللی در آن دوران است که با هدف ایجاد فضای گفتگو و تفاهم صورت می‌گیرد.

دیپلماسی قهری - دیپلماسی قهری نشان‌دهنده رویکردی استراتژیک است که هدف آن تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری دشمن از طریق تهدید یا استفاده محدود از زور است، بدون اینکه به جنگ تمام‌عیار تبدیل شود. این مفهوم اولین بار به‌طور رسمی توسط الکساندر ال. جورج در سال ۱۹۷۱ در کتاب خود «محدودیت‌های دیپلماسی قهری» معرفی شد و چارچوبی برای درک این تاکتیک دیپلماتیک ایجاد کرد (Ximenes et al. 2021: 50). در روابط سلیمان و ملکه سبا با سه عنصر کلیدی تحقیر، توبیخ و تهدید به جنگ شکل می‌گیرد. در بُعد تحقیر، سلیمان با نمایش قدرت خود در برابر هدایای ملکه سبا، آن‌ها را کم‌ارزش جلوه می‌دهد و اظهار می‌کند - که عطای الهی به او برتر از این هدایاست. عنصر توبیخ در نحوه برخورد با فرستادگان ملکه نمود می‌یابد، جایی که سلیمان آن‌ها را به خاطر رویکرد مادی‌شان در حل مسئله سرزنش می‌کند. تهدید به جنگ، صریح‌ترین جلوه دیپلماسی قهری است که در قالب هشدار به حمله

نظامی و شکست قطعی سپاه سبأ بیان می‌شود. این تهدید با عبارت «لَكُنَّا تَيْتَهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا» تجلی می‌یابد که نشان از قاطعیت در اعمال قدرت دارد.

نمونه بارز دیپلماسی علمی و فناوری در مذاکرات سلیمان با ملکه سبأ، انتقال معجزه‌آسای و سریع تخت ملکه سبأ به قصر حضرت سلیمان (ع) است. این اقدام با دگرگون‌سازی تخت برای سنجش ذکاوت ملکه ادامه یافت و با معماری پیشرفته تالار شیشه‌ای به اوج رسید. تالاری که جریان یافتن آب زیر سنگفرش شفافش، تجلی‌گر اوج مهندسی و هنر معماری حکومت سلیمان بود. این راهبرد هوشمندانه، ذهنیت مادی‌گرای ملکه را دگرگون ساخت و او را مجذوب توانمندی‌های علمی و فناورانه حکومت سلیمان کرد.

۳. فرایند تحوّل فرهنگی

سلیمان با ارسال نامه ملکه سبأ را در موقعیتی خاص قرار داد. محتوای نامه دعوت به مذاکره مستقیم و تسلیم شدن در برابر سلیمان بود، ملکه سبأ در مواجهه با این موقعیت جدید ابتدا از بزرگان و درباریان در رابطه با چگونگی مواجهه با این موقعیت جدید مشورت خواست و پس دریافت پیشنهاد آن‌ها در رابطه با برخورد سخت و آمادگی برای جنگ، در مورد عواقب‌گزینه پیشنهادی آن‌ها تأمل نمود و عواقب جنگ را برای آن‌ها مطرح ساخت. پس از آنکه با مشورت و تأمل نتوانست تصمیم خاصی در رابطه با نحوه مواجهه با سلیمان بگیرد، تصمیم گرفت با ارسال هدایایی گران‌بها سلیمان را ارزیابی کند تا نوع مواجهه سلیمان با آن هدایا، او را به تصمیمی خاص برساند. پس از این برخورد تحقیر و تهدیدآمیز سلیمان با هدایا و هیئت اعزامی، او تصمیم گرفت خودش به مذاکره مستقیم با سلیمان برود. پس از آنکه ملکه سبأ به قصر سلیمان رسید، ناگهان با تخت خودش که کمی تغییر یافته بود، مواجه شد، او تختش را شناخت و چون پیش از این از قدرت سلیمان چیزهایی شنیده بود در مقابل قدرت سلیمان مقهور و تسلیم شد. این اولین مرحله تحوّل ملکه سبأ بود که قدرت و عظمت سلیمان را فراتر از قدرت خویش یافت. او در حین مذاکره به همراه سلیمان وارد تالاری شدند که کف‌پوشی شیشه‌ای داشت و آب از زیر آن جاری بود، ملکه سبأ که تصور می‌کرد پا در آب می‌گذارد بلافاصله لباسش را بالا کشید. سلیمان با بیان واقعیت‌نگرانی او را برطرف ساخت. در این مرحله ملکه سبأ که پیش از دیدار سلیمان و مواجهه با مظاهر قدرت سلیمان- در انتقال عرش عظیم- و شکوه فناوری مورد استفاده در ساخت قصر، دیدگاهی مادی‌گرایانه داشت، تحت تأثیر سلیمان قرار گرفت و در عقیده خود تجدیدنظر کرد و به خداوند ایمان آورد.

نتیجه‌گیری

تحلیل داستان قرآنی حضرت سلیمان و ملکه سبأ نشان می‌دهد که این روایت، الگویی جامع از صلاحیت ارتباطات میان‌فرهنگی (ICC) را در سه محور اصلی به نمایش می‌گذارد: مدیریت تعارض میان‌فرهنگی، راهبردهای ارتباطی میان‌فرهنگی و فرایند تحول فرهنگی.

در بُعد مدیریت تعارض میان‌فرهنگی، شناسایی دقیق منشأ تعارضات در سه حوزه نظام حکمرانی، نظام اعتقادی و مؤلفه‌های قدرت، نشان‌دهنده اهمیت بُعد شناختی صلاحیت میان‌فرهنگی است. تمایل به گفتگوی سازنده و حل‌خلاقانه تعارض از طریق دیپلماسی هوشمند، به‌جای توسل به خشونت، از دیگر ویژگی‌های بارز این الگوست. راهبردهای ارتباطی میان‌فرهنگی در این داستان شامل چهار رویکرد اصلی است: رصد هوشمندانه طرف مقابل، ارتباطات رسمی دیپلماتیک، دیپلماسی قهری و دیپلماسی علمی و فناوری. رصد هوشمندانه نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و گشودگی، ارتباطات رسمی دیپلماتیک بیانگر مدیریت روابط میان‌فرهنگی، دیپلماسی قهری نمایانگر ثبات بین‌فرهنگی و دیپلماسی علمی و فناوری نشان‌دهنده حساسیت فرهنگی است. راهبردهای ارتباطی به‌کار گرفته شده در این داستان، منطبق با نه‌سازه کلیدی صلاحیت میان‌فرهنگی است.

فرایند تحول فرهنگی در این الگو از چهار مرحله تشکیل شده است: مواجهه با موقعیت جدید، مشورت و تأمل، ارزیابی موقعیت و مواجهه و تحول‌نگرش. این فرایند، تجسم عینی ابعاد سه‌گانه صلاحیت میان‌فرهنگی (شناختی، عاطفی و رفتاری) است. مواجهه با موقعیت جدید و مشورت و تأمل، بُعد شناختی را نشان می‌دهد. ارزیابی موقعیت، بیانگر بُعد عاطفی و تحول‌نگرش، نمایانگر بُعد رفتاری است. این فرایند نشان می‌دهد که تغییر فرهنگی امری تدریجی و مبتنی بر شناخت و پذیرش است.

مهم‌ترین یافته این پژوهش ارائه مدلی یکپارچه از ارتباطات میان‌فرهنگی در موقعیت تعارض (شکل ۱) است که می‌تواند در مدیریت تعارضات فرهنگی معاصر نیز کاربرد داشته باشد. این مدل، برگرفته از داستان قرآنی حضرت سلیمان و ملکه سبأ، نشان می‌دهد که مدیریت موفق تعارضات میان‌فرهنگی مستلزم شناخت دقیق منشأ تعارضات، به‌کارگیری ترکیبی از راهبردهای ارتباطی هوشمندانه (از رصد تا دیپلماسی‌های گوناگون) و درک فرایند گام‌به‌گام تحول فرهنگی. این مدل بر اهمیت گفتگو، انعطاف‌پذیری و استفاده از قدرت (نرم و سخت) در کنار درک عمیق فرهنگی

تأکید دارد و می‌تواند الگویی کاربردی برای مدیریت تعارضات میان فرهنگی در جهان امروز ارائه دهد.

این مدل (شکل ۱) راهکارهای گوناگونی برای تعارضات میان فرهنگی را در دنیای معاصر ارائه می‌دهد که می‌تواند برای رفع چالش‌های نظام جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی مفید باشد. مبتنی بر آنچه در چارچوب مفهومی ذکر شد، یکی از مؤثرترین راه‌حل‌های تعارضات میان فرهنگی در دنیای امروز، بهره‌گیری از «راهبرد صلاحیت ارتباطات میان فرهنگی» است. به منظور رفع تعارضات میان فرهنگی این راهبرد، در سه عرصه «فرایندهای شناختی»، «فرایندهای عاطفی» و «فرایندهای رفتاری» به کارگرفته می‌شود. بدین منظور و براساس مدل (شکل ۱) انجام مراحل ذیل در جهت رفع تعارضات میان فرهنگی معاصر ضروری است:

مرحله اول: شناسایی زمینه‌های تعارض

نخستین مرحله در این رویکرد، «رصد دقیق زمینه‌های فرهنگی طرف مقابل» است. این کار نیازمند درک عمیق ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی طرف مقابل و مقایسه آن‌ها با فرهنگ خودی است. با شناسایی این زمینه‌ها، می‌توان پیش‌بینی کرد که در چه عرصه‌هایی احتمال بروز تعارض میان فرهنگی بیشتر است. به عنوان مثال، تفاوت در نگرش‌ها به مسائل اجتماعی، دینی یا سیاسی می‌تواند نقاط تقابل را مشخص کند.

مرحله دوم: استفاده از انواع دیپلماسی به منظور رفع تعارض

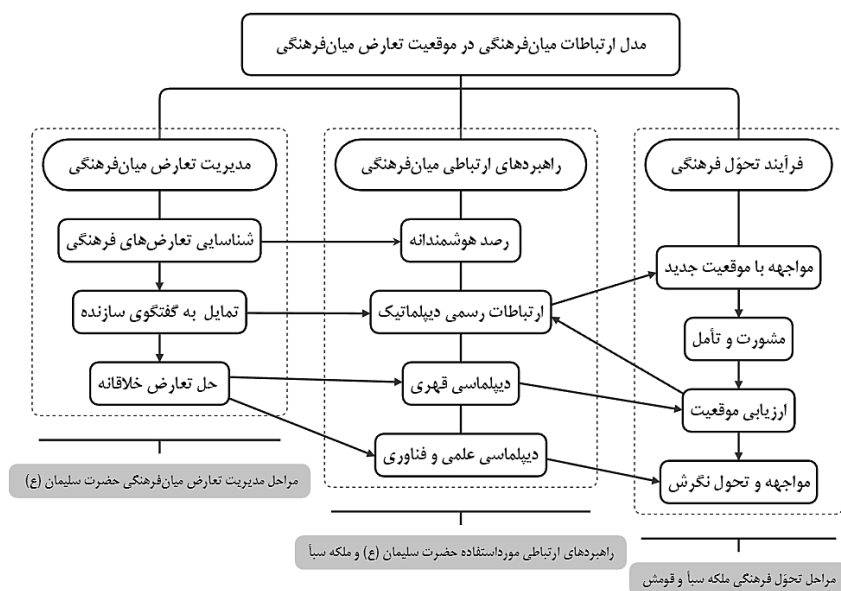
پس از شناسایی زمینه‌های تعارض، باید از «شیوه‌ها و تاکتیک‌های گوناگون دیپلماسی» برای مدیریت و حل این تعارضات استفاده کرد. این دیپلماسی‌ها می‌توانند بر اساس شرایط و نیاز، متفاوت باشند و بر سه عرصه اصلی (شناختی، عاطفی و رفتاری) تأثیر بگذارند:

۱. تأثیر بر فرایندهای شناختی: استفاده از دیپلماسی علمی و فناوری می‌تواند اطلاعات و دانش جدیدی را به طرف مقابل ارائه دهد و دیدگاه‌ها و باورهای او را تحت تأثیر قرار دهد. این روش می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و کاهش تعارضات فرهنگی منجر شود. برای مثال، ارائه دستاوردهای علمی ایران می‌تواند بر شناخت طرف مقابل از توانمندی‌های کشورهای کشور اثر بگذارد.

۲. تأثیر بر فرایندهای عاطفی: ارسال هدایا یا بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی می‌تواند احساسات مثبتی در طرف مقابل ایجاد کند. این اقدام، از طریق برانگیختن حس دوستی و احترام، به بهبود روابط و کاهش تنش‌ها کمک

می‌کند. مثلاً، تبادل فرهنگی مانند نمایشگاه‌های هنری یا برنامه‌های مشترک می‌تواند این هدف را محقق سازد.

۳. تأثیر بر فرایندهای رفتاری: در برخی موارد، استفاده از دیپلماسی قهری و تهدید ممکن است ضروری باشد، اما این روش باید با احتیاط و به‌عنوان آخرین راهکار به کار گرفته شود. برای نمونه، اعمال فشار سیاسی یا اقتصادی می‌تواند در شرایط خاص رفتار طرف مقابل را به سمت سیاست‌های مطلوب جمهوری اسلامی هدایت کند.



شکل ۱. مدل ارتباطات میان فرهنگی در موقعیت تعارض میان فرهنگی برگرفته از داستان قرآنی حضرت سلیمان و ملکه سبأ

تعارض منافع
مطالعات فرهنگی
تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

آذری، غلامرضا (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر اصول و مبانی ارتباطات*، تهران: افرانگ.

الوانی، مهدی (۱۳۷۹). *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی سمت.

ایازی، سید محمدعلی . (۱۳۹۳). *داستان سلیمان و بلقیس و استناد به آن در جهاد ابتدایی*. پژوهش‌های قرآنی، ۱۹ (۷۳)، ۵۲-۷۱.

ایران‌نژاد پاریزی، مهدی (۱۳۸۲). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: نشر مدران.

بشیر، حسن (۱۳۹۳). *دانشنامه علوم ارتباطات: جلد اول (ارتباطات)*، تهران: کارگزار روابط عمومی.

بشیر، حسن (۱۳۹۵). *دیپلماسی گفت‌مانی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

جمشیدی، محمدحسین؛ سلطانی‌نژاد، احمد؛ بیات، جلیل (۱۳۹۵). *نقش ارتباطات میان فرهنگی در تصمیم‌گیری‌ها به تش‌زداپی*. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۶ (۲۲)، ۳۵-۵۸.

رزاقی، افشین (۱۳۸۱). *نظریه‌های ارتباطات اجتماعی*، تهران: پیکان.

رضی، حسین (۱۳۷۷). *ارتباطات میان فرهنگی (تاریخ، مفاهیم و جایگاه)*. *دین و ارتباطات*، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام*، ۶ (۷-۶)، ۱۳۵-۱۶۶.

سلیمی، علی (۱۳۸۹). *درون‌مایه‌های یک نظریه ارتباطات میان فرهنگی در آموزه‌های قرآنی*، *اسلام و علوم اجتماعی*، ۲ (۴)، ۷-۳۸.

شعاعی، محمدحسین (۱۳۹۸). *واکاوی مؤلفه‌های بنیادین ارتباطات میان فرهنگی از منظر قرآن کریم: بررسی تشابهات و تفاوت‌ها*. *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای ارتباطات و فرهنگ*، ۱ (۱)، ۶۳-۸۰.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*، جلد ۱۵، ترجمه سید محمدباقر موسوی‌همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

غمامی، سید محمدعلی؛ اسلامی تنها، علی اصغر (۱۴۰۱). «*هم‌شناسی فرهنگی*» به‌منابه الگوی ارتباطات میان فرهنگی در قرآن: رویکردی تطبیقی. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۳ (۸۹)، ۷-۳۰.

کافی، مجید (۱۳۹۴). *نظریه اجتماعی ارتباط در قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

گرچی، ابراهیم و سجاد برخوردار (۱۳۸۸). *مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: ثالث.

مجاور شیخان، محمد (۱۴۰۰). *رسانه ملی و توسعه ارتباطات میان فرهنگی: بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر هم‌افزایی رسانه‌ای*. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۸ (۳)، ۲۰۹-۱۸۷.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، جلد ۱۵، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مهدی‌زاده، مهناز (۱۳۹۸). *تحلیل و بررسی قوم‌سبا از منظر قرآن کریم و تاریخ*. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۳ (۱)، ۲۰۲-۲۱۸.

حسینی بجدنی، سید حسین؛ مهریزی طرقي، مهدی؛ حجتی، سید محمدباقر؛ شریفی، عنایت (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان(ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم. *دوفصلنامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*، ۷(۱۳)، ۲۰۵-۲۲۹.

نصراللهی، محمدصادق؛ کوهکن، محمدرضا (۱۳۹۹). الگوی مطلوب ارتباطات میان‌فرهنگی مستضعفان جهان از منظر قرآن کریم. *آموزه‌های قرآنی*، ۱۷(۳۲)، ۶۳-۹۴.

Alvani, M. (2000). *Public Policy Making and Decision Making*. Tehran: SAMT. [in Persian]

Ayazi, S. M. A. (2014). The Story of Solomon and Bilqīs and Making Reference to it in Preemptive Jihād. *Qru'anic Reserches*, 19(73), 52-71. URL: https://jqr.isca.ac.ir/article_112.html [in Persian]

Azari, G. (2005). *An Introduction to the Principles and Foundations of Communication*. Tehran: Afrang. [in Persian]

Babao, J.N. & Adiatma, D. (2023). Intercultural Communication Competence: Unraveling the Role of Cognitive, Affective, and Behavioral Factors. *International Journal of Advanced Multidisciplinary*, Vol. 2, No. 2, 393-397.

Baiutti, M. (2016). Rethinking the concept of intercultural conflict: Italian returnees' attitudes towards others during a cultural conflict. *FLEKS: Scandinavian Journal of Intercultural Theory and Practice*, Vol. 3, No. 1, 1-18.

Bashir, H. (2014). *Encyclopedia of Communication Sciences: Volume 1 (Communications)*. Tehran: Kargozar-e Ravabet-e Omumi. [in Persian]

Bashir, H. (2016). *Discourse Diplomacy: Interaction of Politics, Culture and Communications*. Tehran: Imam Sadiq University. [in Persian]

Bashir, S. Ashraf, R. & Khaliq, A.A. (2023). Linguistic Accommodation in Multilingual Conversations: A Cross-Cultural Study of Pakistan. *FAST Transactions on Education and Social Sciences*, Vol. 11 No. 1, 149-154.

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77-101.

Danylova, T. (2013). Overcoming The Cultural Differences: Parable As A Means Of Intercultural Dialogue. *Anthropological Measurements of Philosophical Research*, 42-51.

Duisembekova, Z. (2025). Building Intercultural Communicative Competence: Reflections From A Kazakhstani Scholar In The Usa. *Iasaýı ǵniversitetiniń habarshysy*, No1(135), 320-331.

Ghamami, S. M. A., & Eslami Tanha, A. A. (2022). "Cultural We-ology" as a Model of Intercultural Communication in the Quran: A Comparative Approach. *Culture-Communication Studies*, 23(89), 7-30. DOI: 10.22083/JCCS.2021.184556.2796 [in Persian]

Gorji, E., & Barkhordari, S. (2009). *Fundamentals of Research Methods in Social Sciences*. Tehran: Sales. [in Persian]

Hinner, M.B. (2017). Intercultural misunderstandings: causes and solutions. *Russian Journal of Linguistics*, Vol. 21 No. 4, 885-909.

- Hosseini Bejadni, S. H., Mehrizi Toroqi, M., Hojjati, S. M. B., & Sharifi, E. (2021). An Exegetical Analysis of the Story of Sulaymān and the Queen of Sheba from the View of the Qur'an and Its Comparison with the Old Testament. *Comparative Exegesis Research*, 7(13), 205-229. DOI: 10.22091/PTT.2021.6192.1870 [in Persian]
- Huang, X. (2022). The Current Situation and Improvement of College Students' Intercultural Awareness. *BCP Social Sciences & Humanities*, 16, 473-483.
- Irannejad Parizi, M. (2003). *Research Methods in Social Sciences*. Tehran: Modaran. [in Persian]
- Jamshidi, M. H., Soltaninejad, A., & Bayat, J. (2016). The Role of Intercultural Communication in Countries' Decision to De-escalate Tensions. *Quarterly Journal of International Relations Research*, 6(22), 35-58. DOR: 20.1001.1.10227180. [in Persian]
- Jin, Y. (2023). Reflections on Intercultural Communication during Overseas Study by Chinese Students. *International Journal of Education and Humanities*, Vol.11, No.3, 444-447.
- Kafi, M. (2015). *Social Theory of Communication in the Quran*. Qom: Research Institute of Hawzah and University. [in Persian]
- Khukhlaev, O.E. Gritsenko, V.V. Pavlova, O.S. Tkachenko, N.V. Usbian, S.A. & Shorokhova, V.A. (2020). Comprehensive Model of Intercultural Competence: Theoretical Substantiation, Vol.17, No.1, 13-28.
- King, N. (2004). Template analysis. In G. Symon & C. Cassell (Eds.), *Essential guide to qualitative methods in organizational research*. London: SAGE Publications.
- Lukešová, M. (2015). Student Reflection on the Development of Intercultural Competence through the Education Abroad Experience. *Asian Social Science*, Vol.11, No.21, 1-14.
- Makarem Shirazi, N. (1992). *Tafsīr-e Nemounch* (Vol. 15, 10th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [in Persian]
- Mehdizadeh, M. (2019). Analysis and Study of the People of Sheba from the Perspective of the Holy Quran and History. *Stylistic Studies of the Holy Quran*, 3(1), 202-218. DOI: 1022034/sshq.2020.239787.1041 [in Persian]
- Mohammed, B. (2023). Pragmatic Strategies in Interpersonal Conflict Resolution: A Cross-Cultural Analysis. *The International Journal of Humanities & Social Studies*, Vol. 11 No. 9, 97-104.
- Mojaver Sheikhan, M. (2021). National Media and the Development of Intercultural Communication: A Study of the Components Affecting Media Synergy. *Communication Research*, 28(3), 187-209. DOI:10.22082/cr.2021.535828.2224 [in Persian]
- Murtiningsih, B.S. (2016). The Role of Cultural Competence to Overcome Intercultural Communication Conflict: Case study of Indonesian and Korean students in Kyung Sung University, South Korea. *Mediterranean journal of social sciences*, Vol. 7, No. 6, 213-222.
- Nasrollahi, M. S., & Koohkan, M. R. (2020). Desired Model of Intercultural Communication of the World's Oppressed from the Perspective of the Holy Quran. *Quranic Teachings*, 17(32), 63-94. [in Persian]

- Razaghi, A. (2002). Theories of Social Communication. Tehran: Peykan. [in Persian]
- Razi, H. (1998). Intercultural Communication (History, Concepts and Status). *Religion and Communication*, (6-7), 135-166. [in Persian]
- Salimi, A. (2010). Themes of a Theory of Intercultural Communication in Quranic Teachings. *Islam and Social Sciences*, 2(4), 7-38. [in Persian]
- Shoaei, M. H. (2019). Analysis of Fundamental Components of Intercultural Communication from the Perspective of the Holy Quran: Examining Similarities and Differences. *Interdisciplinary Research in Communication and Culture*, 1(1), 63-80. [in Persian]
- Sunendar, D. Darmawangsa, D. & Sukmayadi, V. (2021). Thriving in Indonesian Academia: French Students' Intercultural Communication Competence in Studying Abroad. *Journal of Intercultural Communication*, 21(1): 80-91
- Tabatabaei, M. H. (1995). Tafsi'r al-Mizān (Vol. 15, S. M. B. Mousavi Hamedani, Trans., 5th ed.). Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. [in Persian]
- The Holy Quran. [in Arabic]
- Ting-Toomey, S. Dorjee, T. (2018) *Communicating across Cultures*. United Kingdom: The Guilford Press.
- Whaley, A.L. & Davis, K.E. (2007). Cultural competence and evidence-based practice in mental health services: A complementary perspective. *American Psychologist*, 62, 563-574.
- Ximenes, J.C. & Hartono, A.I. (2021). Cooperation between Timor Leste and Australia to Address Oil and Gas Exploration Conflicts in the Timor Gap. *The International Journal of Business and Management*, Volume 9, Issue 5, May, 48-62.



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.